

موسیقی ایران

(۵)

نامی از هنرمندان موسیقی

چنانکه قبلا اشاره شد در کتب ادب و تاریخ ایران کمتر سرگذشتی از هنرمندان موسیقی نوشته شده است و اگر گاهگاهی ازین هنر گفتگو بمیان آمده تنها بدکر نام آنها اکتفا کرده اند. گذشته از باربد و نکیسایوسر کش که در دوره ساسانیان بوده اند و از آنها قبلا یاد شد در دوران اسلامی نیز کسانی مانند ابراهیم واسحق موصلی و زریاب و منصور زلز در ایام خلفای عباسی از نام آوران موسیقی بوده اند که از آنان نیز ضمن مطالب گذشته یاد شد. از برخی دیگر که صاحب آثار و تالیفاتی در علم موسیقی بوده اند نیز باختصار سخن بمیان آمد. عده ای دیگر را برخی از نویسندگان در کتابها بر شمرده اند مانند طاهر خسروانی معاصر نوح بن منصور سامانی و شاید دقیقی شاعر معروف (۱) و بعضی دیگر که در دوره سلاطین تیموری شهرت داشته اند مانند یوسف اندکانی در خوانندگی و قطب الدین نائی و حبیب عودی و اردشیر چنگی همچنین خواننده زیباروئی بنام «لحاظ» معاصر صفی الدین اردبیلی و خواننده دیگری موسوم به «ضیاء» که او هم شاگرد صفی الدین بوده و یوسف شاه خواننده معاصر شاه شجاع.

از نوآندگان دوره صفویه نیز این اشخاص را نام برده اند: حافظ احمد قزوینی - حافظ جلال باخرزی - حافظ مظفر قمی - حافظ هاشم قزوینی - میرزا

(۱) دقیقی گوید:

دقیقی چهار خصلت بر گزیده است

به گیتی از همه خوبی و زشتی

لب یاق و تدرنگ و ناله چنگ

می چون زنگ و کیش زردهشتی

محمد کمانچه‌ای - استاد محمد مؤمن - استاد شهسوار چهارتاری - استاد شمس و رامینی - استاد مصوم کمانچه‌ای - استاد سلطان محمد ظنبوره‌ای - میرزا حسین ظنبوره‌ای - استاد سلطان محمد چنگی .

در زمان کریم خان زند هنر مندی موسوم به «پریخان» و در زمان فتحعلی شاه قاجار نوازنده‌ای بنام «چالانچی خان» و در دوره محمد شاه قاجار دو استاد موسوم به استاد زهره و استاد مینا نیز شهرت داشته‌اند. قآنی شاعر معروف هم از چند تن در شعری سخن بمیان آورده است (۱)

بنابر نوشته مؤلف تاریخ عضدی «استاد مینا زن مصطفی خان عمو و شاگرد مهرباب ارمنی اصفهانی بود و استاد زهره زوجه جعفر قلیخان عمو و شاگرد رستم یهودی شیرازی است و هر یک از این دوزن در علم موسیقی بی نظیر بودند و مهرباب در سنم استاد آنها از معارف اهل این فن بشمار می‌آیند و بر آقا محمد رضا ورجعیلی خان وچالانچی خان مغبیان آن عصر سمت استادی داشتند . بازیگرها که بحسب تعداد بتجاوز از پنجاه بودند سپرده به استاد مینا و استاد زهره بود و در حقیقت دودسته بودند که با تمام اسباب طرب از تار و سه تار و کمانچه و سنتور و ضرب و خوانندگان و رقاصان نصف در دسته مینا و نصف دیگر در دسته زهره خوانده میشدند . صبح‌ها آقا محمد رضا ورجعیلی خان و چالانچی خان بمعلم خانه می‌آمدند... خواه‌ها می نشستند و شاگردان مدتی پیش استاد مردانه مشق میکردند. بعد از آمدن منزل... استاد مینا و استاد زهره هر یک مشغول تعلیم دسته خود میشدند .»

همچنین مینویسد: «حاجی علی محمد لله حضور خوش آواز بود و تمام نکات و مقامات و الحان را بکار میبرد و در علم موسیقی مهارتش باعلی درجه بود ولی جز اوقاتی که خیلی خلوت بود این هنر خود را در خدمت خاقان جلوه نمیداد گویا کمتر کسی میدانست که حاجی علی محمد بلاوه سایر کمالات دارای این فن شریف نیز هست.» (۲)

(۱) این سخن گفت و زجاجست و بکرسی بنشست

رو بمن کرد که کوچنگی و چون شد نائی

تار زن زاغی و ربجان و ملیخای یهود

ضرب گیر اکبری و احمدی و بابائی

(۲) تاریخ عضدی تألیف احمد میرزا عضدالدوله (پسر فتحعلیشاه)

در دوره ناصرالدین شاه «ملا عبدالجواد خراسانی ریاضی دان معروف که محل اقامتش اصفهان بوده و عده زیادی شاگرد و مرید داشته در موسیقی خیلی ورزیده بوده و تار را خوب میزد است ولی نظر باینکه زدن تار در مذهب اسلام حرام بوده تار او را کسی نشنیده است.» (۱)

بنا بگفته «کنت دو گوینو»؛ «آخوند ملا علی محمد یکی دیگر از ریاضی دانهای معروف این دوره است که در موسیقی نظری خیلی اسناد بوده ولی هیچیک از ادوات موسیقی را نمی نواخته»

گوینو مینویسد: «بطور کلی در ایران آنهایی که تار میزنند و در موسیقی استاد هستند غیر از طبقه اول و دوم میباشند و نجبا و اشراف ایرانی تار زدن را یک نوع عیب میدانند و یا اقلاباغت سبکی خود می شمارند.»

«اوژن فلاندن» فرانسوی که در زمان محمدشاه قاجار بایران آمده در سفرنامه خود چنین مینویسد:

«ایرانیانی که بسیار دولت مندند بسر نهار دوسه مطرب میآورند. یکی از آنها خواننده است که بیروسته آوازهای یکنواخت میخواند و اشعارش بیشتر از عشق، شراب و شجاعت صحبت میدارد. سازهایی که با این آواز همراه است یک دایره زنگی است بایک چنگ (مقصودش نادر است) و یک نوع ویولن که آنرا کمانچه میگویند. کنسرتی که این سازها تشکیل میدهند زیاد خوش آهنگ نیست. موسیقی ایران بسیار عقب است و دودلیل دارد یکی اینکه موسیقی مانند نقاشی صنعتی تقلیدی نیست بلکه علمی است. دیگر اینکه موسیقی ایران بدست لوطیان و اشخاص بی سرو پا افتاده که کار دیگری از دستشان بر نمیآید. باین جهت قدر و قیمت موسیقی بکلی در ایران از بین رفته است. بندرن اشخاص اسم و رسم داری یافت میشوند که با موسیقی آشنائی داشته باشند.» (۲)

مادام ا.س. وولفسون روسی چنین مینویسد:

«صنعت و حرفه موسیقی رقص و آواز هم در این مملکت بطور انحصار در دست یهودیها واقع گردیده. مشهور است که ملل شرقی اشتغال بدین قبیل حرف و صنایع را برای خود پست و حقیر دانسته و بطور انحصار آنرا بلبل سائره

(۱) کتاب سه سال در ایران تالیف کنت دو گوینو - ترجمه ذبیح الله

منصوری - صفحه ۲۳

(۲) سفرنامه اوژن فلاندن - ترجمه و چاپ تهران - صفحه ۲۱۱

واگذار کرده اند، ایرانیها هم دارای همین نظریه هستند و از اشتغال بصنایع موسیقی و آواز و رقص عار دارند. « (۱)

ادوارد برون انگلیسی مینویسد: «میزبان میهمانی را که از حیث شخصیت و مقام بزرگتر از دیگران است در صدر سفره می نشاند. موسیقی دانه‌ها و خوانندگان و رقاصان هم پای سفره می نشینند.» (۲)

این بود خلاصه‌ای از نظریات اروپائیان نسبت بموسیقی ایران و وضع اجتماعی موسیقی دانه‌ها. البته معلوم است با این کیفیت چرا موسیقی ما باید پیشرفت لازم را در دوره‌های گذشته نکرده باشد؛ در کتابهای دیگر از هنرمندانی هم گفتگوشده که ارزش هنر خود را درک کرده و در میان طبقات فاضله قدر و احترام داشته‌اند که اینک باختصار نانی از آنها میبرد:

کنت دو گویینو مینویسد: «در میان طبقات متوسط معروفترین نوازندگان تارعلی اکبر است که خیلی خوب تار میزند و من دیده‌ام اروپائینی که هیچ بموسیقی مشرق زمین توجه نداشتند در موقع شنیدن سازعلی اکبر دچار تأثر شده‌اند. علی اکبر با روح و حساسیت خیلی زیاد تار میزند و نه تنها این شخص در ایران هنر پیشه بزرگی است بلکه در تمام کشورهای جهان هم چنین شخصی یک هنر پیشه بزرگ محسوب میشود ولی نظیر بعضی از هنرپیشگان و نویسندگان اخلاق مخصوصی دارد و تند خلق است و بایستی خیلی اصرار کرد تا او را مجبور بتار زدن نمود... دو هنر پیشه دیگر در ایران هستند که هر دو معروفیت دارند یکی «خوش نواز» که در زدن کمانچه ماهر است و... مردی خوش مشرب میباشد و دیگر «محمد حسن» که خیلی خوب سنتور میزند. لیکن محمد حسن برعکس خوش نواز مردی ساکت و کم حرف میباشد و کمتر او را دیده‌اند که بخندد.» (۳)

آقا علی اکبر و خوشنواز و محمد حسن (حسن خان و سنتور خان هم نامیده شده) در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار یعنی همان موقعی که گویینو در ایران بوده از نوازندگان مشهور درباری بشمار میآمده‌اند. از خوشنواز و محمد حسن خان اطلاع بیشتری نداریم ولی درباره آقا علی اکبر مطالبی بما رسیده است و او در حقیقت سرسلسله خانواده ایست که همه موسیقی دانه‌های

(۱) کتاب ایرانیان در گذشته و حال - ترجمه حسین انصاری - صفحه ۴۷

(۲) کتاب یک سال در میان ایرانیان - ترجمه ذبیح الله منصور - صفحه

هنرمندی بوده و حتی در ایام ماهم دوتن از نواده‌های آقا علی اکبر شهرت بسزا دارند و درین باره بعد بتفصیل بیشتری سخن گفته خواهد شد .

پس از خوشنواز نوازندگان در نواختن کمانچه مهارت داشته‌اند مانند آقامطلب، اسمعیل خان، قلی خان، موسی کاشی، میرزا رحیم، جوادخان قزوینی و حسین خان اسمعیل زاده و باقر خان رامشگر و علیرضاخان چنگی.

از نوازندگان سنتور هم بعد از محمد حسن خان این اشخاص شهرت یافته‌اند: محمد صادق خان سرور الملک که ریاست نوازندگان دربار ناصری و نقاره خانه را داشته و شاگردش سماع حضور و همچنین علی اکبر شاهی و حسن سنتوری و حبیب سمعی و در زمان حاضر رضا ورزنده و فرامرز پایور.

بعد از حسین خان کمانچه از علاقه‌مندان این ساز بسیار کاسته شد و در حقیقت و بولن جای کمانچه را گرفت چنانکه در حال حاضر نوازندگان که بتوانند خوب کمانچه بزنند نادرند ولی در مورد سنتور موضوع بکلی بعکس شد یعنی پس از اینکه سالها مردم این ساز را فراموش کرده بودند از هنگامی که فرستنده رادیو سنتور حبیب سمعی را بخش کرد علاقه‌مندان زیادی برای نواختن این ساز پیدا شدند که اکنون هم چند نوازنده خوب در میان آنها میباشند .

در مورد قانون و عود که از سازهای ایرانیست ولی قرنهای فراموش شده و بنام آلات موسیقی عرب شناخته میشد تنها نوازنده ایرانی که در دوران اخیر شروع بنواختن آن کرد رحیم قانونی شیرازی بود که بعد از فوت او فرزندش جلال قانونی جای پدر را گرفته است ولی در مورد عود که چند سالیست طرف توجه قرار گرفته هنوز نوازنده باهنری پیدا نشده است. (۱)

از سازهای بادی باید مخصوصاً از «نی» نام برد که نوازندگان خوبی مانند سلیمان اصفهانی ویدالله میرزا شاه یدی و سرمست عراقی و از همه آنها مشهورتر نایب اسدالله نی زن اصفهانی و شاگردش مهدی نوائی بوده‌اند .

حسن کسایی هنرمند ارزنده امروز هم شاگرد مهدی نوائیست . از آوازخوانهای معروف که شهرت بسزا پیدا کرده‌اند باید از درویش حسن اصفهانی و میرزا حسن خاکی و ابراهیم آقاباشی و آناجان ساوهای و حاجی ملا کریم جناب قزوینی و سیدعسگر کردستانی و شهاب اصفهانی و میرزا حسین اصفهانی (معروف به ساعت ساز) و میرزا حبیب اصفهانی و شیخ محمود

(۱) آقای مهدی مفتاح در سالهای اخیر شوق زیاد بنواختن آن پیدا کرد و خوب هم پیشرفت کرد ولی اکنون جز گاهگاهی بنواختن آن نمیپردازد.

خزانه و سید عبدالرحیم اصفهانی و علی خان (معروف به نایب السلطنه) و حسینعلی نکیس و حسین طاهر زاده و ابوالحسن اقبال آذر و پروانه و قمرالملوک و روح انگیز و ادیب خونساری و تاج اصفهانی و غلامحسین بنان یاد آوری کرد .

عده‌ای هم از اهل منبر و تعزیه خوانها و روضه خوانها بوده‌اند که در خوانندگی دست داشته و داستانهای دل‌انگیز از تأثیر صوت خوش آنان شهرت یافته است مانند سید زین العابدین قراب کاشی - رضاقلی تجریشی - سید عبدالباقی بختیاری - ملاحسین (امام‌خوان) - میرزا غلامحسین (عباس‌خوان) - جهانگیر (مسلم‌خوان) - سید احمدخان - قلی خان (معروف بشاهی) - حاج بارک‌الله - حبیب‌الله اسب‌بمردی - ملاداداش طائفانی - بلال صمغ‌آبادی - میرزا حسینعلی شهریاری - حاج ملارجمعلی - حاج تاج نیشابوری - حاج میرزا لطف‌الله اصفهانی - شیخ علی زرگر - سید عزیزالله ملک - سیف‌الذکرین تبریزی و فرزنداناش مجید و ناصرسیف - میرزا طاهر ضیاء رسائی و سید محمدرضای بدیع و سیدحسین عندلیب اصفهانی .

از نوازندگان «تمبک» و خوانندگان ترانه و تصنیف و آوازهای ضربی هم این اشخاص شایسته ذکر هستند :

آقاچان اول - تقی خان - آقاچان دوم - عیسی خان آقاباشی - حاجی خان (معروف به عین الدوله‌ای) - رضاروان بخش و عبدالله دوامی و حسین تهرانی . صنعتگران هنرمندی هم که در ساختن آلات موسیقی ملی مانند تار و سه تار و سنتور و کمانچه دست داشته و سازهای خوش صدائی بوجود آورده‌اند ازین قرارند: استاد فرج‌الله - زادور - حاج محمد کریم خان - حاج طایر - سیدجلال - هامبارسون - خاچیک - مارکار - آقاگلی - مگر دیچ - ملکم اصفهانی - علی محمد صفائی - یحیی - جعفر و عباس صنعت - مفتاح آهنگ - استاد حاجی آقا و رمضان شاهرخ و عشقی .

اما در مورد آقاعلی اکبر که سابقاً نامش گذشت در حقیقت باید او را سرسلسله «خاندان هنر» نامید زیرا موسیقی کلاسیک امروز ما یعنی مجموعه دستگامها و گوشه‌های آوازه‌ها که آنها را «ردیف» مینامیم روایت آقا علی اکبر است . چه پس از فوت وی برادر زاده اش «آقاغلامحسین» که پرورده عموی خود و استاد بی نظیری بود تربیت فرزندان آقاعلی اکبر یعنی «میرزا عبدالله» و «آقا حسینقلی» را بهمه گرفت و رموز این فن را بانان آموخت و این دوتن در طول حیات خود شاگردان بسیاری تربیت کردند چنانکه سید

حسین خلیفه - دکتر مهدی صلحی (منتظم الحکماء) - اسمعیل قهرمانی - مهدی دبیری - ابوالحسن صبا و عده ای دیگر شاگردان میرزا عبدالله بوده و غلامحسین درویش - میرزا غلامرضا شیرازی - باصر الدوله - علی محمد فخام بهزادی - یوسف فروتن - مرتضی نی داود و جمعی دیگر از جمله نوه هنرمند آقا علی اکبر یعنی علی اکبر شهنازی از دست پروردگان آقا حسینقلی میباشند .

مخصوصاً خدمت شایان تحسین میرزا عبدالله در گرد آوری و منظم کردن «ردیف» شایسته کمال ذکر است: شاگرد او منتظم الحکماء ردیف استاندارد با سه تار نواخته و مخبر السلطنه هدایت آنرا بخط بین المللی موسیقی نوشته و علینقی و زبیری نیز ردیفهای میرزا عبدالله و آقا حسینقلی را با همین خط نوشته . بعدها موسی معروفی شاگرد غلامحسین درویش و علینقی و زبیری این نوشتهها را گرد آورده و ردیف جامعی نوشته و منظم کرده است که از طرف اداره هنرهای زیبا بچاپ رسیده ولی هنوز منتشر نشده است .

عبدالحسین شهنازی فرزند کوچک آقا حسینقلی نیز نوازنده خوبی بود و احمد عبادی نوازنده سه تار پسر میرزا عبدالله است که هنر پدر را یاد برده و هنرمند ارزنده این دوره است .

غلامحسین درویش شاگرد آقا حسینقلی (۱) فیز نوازنده و سازنده با ذوق و هنرمندی بود که شاگردانی مانند شکری - علی محمد صفائی - عبدالله دادور - موسی معروفی - مرتضی نی داود - ابوالحسن صبا - حسین سنجری و ارسال در گاهی تربیت کرده است .

در دوره حاضر نیز چند نوازنده هنرمند تار هستند که لطف الله مجید ، جلیل شهناز و فرهنگ شریف از آن جمله میباشند .

از خوانندگان تصنیف و ترانه نام دلکش ، مرضیه ، پروین ، خاطره پروانه ، فرح و بوران شایسته ذکر میباشد و در میان خوانندگان آهنگهای محلی احمد عاشور پور و مسعودی هنرمندان گیلک ذوق فراوان دارند .

هر چند ویولن ساز ملی ایران نیست ولی فعلاً جای که مانچه را گرفته و اصولاً این ساز برای نواختن نغمه های ایرانی از سازهای دیگر مناسب تر است و نوازندگانمانند علی تجویدی ، رحمت الله بدیعی ، حبیب الله بدیعی ، پرویز یاحقی ، مجید وفادار و همایون خرم و محمود ذوقون در نواختن موسیقی ایرانی در روی این ساز دارای ارزش هنری میباشند . (دنباله دارد)

(۱) راجع بشرح حال و خدمات درویش مراجعه شود به شماره اول دوره هفتم مجله پیام نو که مقاله مبسوطی بقلم آقای حسینعلی ملاح نوشته شده است .